

پیک صلح

خدابخشیده بر ما سفره های آسمانی را

مبادا از دعا و شکر این نعمت شوی غافل

نمیدانم چه می خواهم ، نمیدانم چه حال من

گهی رندم گهی عاشق گهی دیوانه گه عاقل

اگر فکری به سر دارم به اصلاح بشر دارم

دعا خوانم به درمانش دعای آنی و عاجل

ندای صلح عالم را بود حکم جمال حق

تمنایم بود زین ره که پیکی باشم و حامل

خدایا کشتی وحدت میان موج و طوفان است

الهی این صدا بشنو که آن کشتی رسد ساحل

گلستانی ز عشق وحدت عالم پدید آمد

بیا بگذر ز شوره زار و این بیراهه باطل

نمیدانی تو ای نوری اگر وحدت شود حاصل

چه شادی ها شود بر پا چه غوغایی کند این دل